

نگاهی اجتهالی به آراء و افکار و سبک و سلوک فکری و فلسفی ملاحادی
سبزواری در منظومه حکمت غررالفرائد

حکمت

منظومه

و

سبزواری

ملاحادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی

حاج

سید محمد حسینی سورکی

حاج ملاهادی سبزواری بدون تردید یکی از شارحان مکتب بی‌بدیل صدرایی و از بزرگترین مروّجان اسلوب فکری و فلسفی ملاصدرا می‌باشد و به حق می‌توان گفت که جدّ و جهد ملاهادی سبزواری در شرح و بسط مکتب صدرالمآلهین، رنسانس علمی و فلسفی بزرگی در ایران به وجود آورد.

ما در این نوشتار سعی داریم نگاهی اجمالی به آراء و افکار و سبک و سلوک فکری و فلسفی ملاهادی سبزواری در حکمت منظومه بپردازیم.

آورد) بیرون آمد و بار دیگر آتش ابیحات فلسفی صدرائی شعله‌ور شد و شعاعی وسیع تر گرفت. در عهدی که فلسفه مشائی رونق داشت و حتی شاگردان برجسته ملاصدرا همچون عبدالرزاق لاهیجی و فیض کاشانی هم از استاد خود، جانبداری نمی‌کردند^۱ و ظهور شیخیه و مخالفتهای شیخ احمد احسائی و طرح آراء و افکار مختلف و مخالف، فروغ اندیشه‌های ملاصدرا را در محاق غفلت فرو برده بود، حتّاً که جدّ و جهد ملاهادی سبزواری در شرح و بسط مکتب صدرالمآلهین، رنسانس علمی و فلسفی بزرگی در ایران به وجود آورد و روحی در کالبد بی‌جان فلسفه و حکمت اصیل ملاصدرا دمید.

در پرتو تلاش و تألیفات سبزواری، و شرح تألیفات صدرالدین شیرازی، گرد و غبار عزلت و غربت از چهره حکمت صدرائی پاک و برکنار شد افق‌های تازه‌ای برای مطالعه افکار ملاصدرا باز شد و

فلاسفه اسلامی دریک تقسیم بندی به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای صاحب فکر، ایده و آئینی جدید در قلمرو فکر و فلسفه هستند و دستی در ابتکار و نوآوری دارند، همچون شیخ اشراق و صدرالمآلهین شیرازی و بزرگانی دیگر و دسته دوم عالمان فرهیخته و وارسته‌ای هستند که مروّجان و مفسران ایده‌ها و افکار و شارحان آثار نوآورانه. یکی از حکمای طراز اول دسته اخیر حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲ - ۱۲۸۹) به شمار می‌رود.^۱ و از شارحان مکتب بی‌بدیل صدرایی و به بیان بهتر بهترین و بزرگترین مروّج اسلوب فکری و فلسفی ملاصدرا است و بقول اهل نظر در صدر آراء او، آراء صدرا قرار دارد. او از مشی و مرام فلسفی ملاصدرا جز در موارد معدود و غیر معتدبه عدول نکرده است.

ملاهادی سبزواری مشهور و ملقب به حاجی سبزواری، عالمی عامل و عارفی کامل بود ولی او را بنیانگذار مکتبی جدید در فلسفه نمی‌توان دانست بلکه او بدون انحراف و تخطّی از اصول فلسفی ملاصدرا به شرح آنها پرداخته است.^۲ مکتب صدرایی به دست بابرکت حکیم بزرگ عهد قاجار (ملاهادی) از خمود و عزلت (پس از دوره فتنه و آشوب و اغتشاشی که حمله افغان‌ها به ایران بوجود

۱. محسن کدیور - دفتر عقل - انتشارات اطلاعات - تهران - ۱۳۷۷ چاپ اول.
۲. سیدحسین نصر؛ «رنسانس فلسفی در ایران» - ترجمه محمدعلی اژه‌ای ج ۴ ص ۱۲۹
۳. اندیشه حوزه - سال دوم شماره ۲ - تابستان ۷۱ - ص ۱۲۲

«بدرستی که حاجی عالمی بود عامل و حکیمی کامل که در حقائق حکمت بی نظیر و در استکشاف اسرار و دقائق بی عدیل و بدیل بود و اگر افلاطون عصرش بخوانیم رواست و اگر ارسطوی دهرش بگوییم، بجاست. وی در عهد ناصرالدین شاه قاجار چنان بود که ملاصدرا در زمان شاه عباس کبیر»^۱

به عقیده برخی، حاجی بیشتر عارفی متبحر در فلسفه و حکمت الهی بنظر می‌رسد تا حکیمی علاقه‌مند به عرفان و اصول عرفانی، و از همین روست که استاد حسین نصر او را از چهره‌های برجسته اهل حکمت و عرفان در عهد قاجار و یک قدیس فیلسوف معرفی می‌کند.^۲

ملاهادی همچون ملاصدرا در راه آمیختن حکمت و عرفان و برهان و شهود و قرآن برآمد و این عناصر ترکیبی در فلسفه ذوقی و متمایل به اشراق او بخوبی نمایان است. آثار سبزواری (خصوصاً منظومه حکمت) مجمع‌البحری است که از راه دریاها و نهرهای بسیار سرچشمه گرفته و مشام جانش را از آبشخور تعالیم ناب فلسفی و عرفانی بزرگانی چون شهاب‌الدین سهروردی، ابن عربی، ابن‌سینا، فارابی و بالجمله فلاسفه و عرفای نامی قبلی سیراب کرده است و از اینرو عمده منابع تالیفات او را کتابهای اسفار ملاصدرا، قیسات میرداماد، شرح خواجه نصیر طوسی و حکمة‌الاشراق سهروردی تشکیل داده است.

البته غرض و غور عمیق او در آیات الهی و احادیث و ادعیه ماثوره و توجه خاص او به تعالیم پرمعنی و پرمحتوای دینی، به فلسفه او رنگ و بوی

تقدّس و سمت و سوی دینی الهی بخشیده است. تأثیر اندیشه‌های کلامی بزرگان اهل حکمت همچون کاتبی، علامه حلی، طوسی، صدرالدین دشتکی، شیخ مفید و شیخ طوسی را در آثار و افکار سبزواری نمی‌توان نادیده انگاشت؛ بگونه‌ای که باید گفت حاجی در طبیعیات و فلکیات و فروع مباحث وجود ذهنی و علت و معلول و بعضی مباحث الهیاتی، از اندیشه‌های مطرح در کتب و شروح و حواشی متکلمان صاحب نظر سلف، اخذ و اقتباس کرده است.^۳

با این همه تتبع و تبخر و روشن‌بینی حاجی، قدرت تخریبی و تأسیسی او بسیار اندک و ناچیز می‌باشد. با وجود این هیچگاه بدون بازیافت علمی و تجزیه و تحلیل عقلانی، ناموجه و بی‌تأمل و بی‌تدبیر به استفاده از فن‌آورده‌های علمی و ذهنی و یا التزام و اعتقاد به باورهای علمی گذشتگان مبادرت نورزیده است.

از این رو اگر چه نمی‌توان او را در شمار بدیع‌انگاران و پایه‌گذاران مکتب و مرام نو فلسفی یاد کرد، اما مقلد محض و تابع بی‌کم و کاست خواندن او هم بدور از انصاف خواهد بود.

در جریان شکل‌گیری نظام فلسفی و افکار و ایده‌های ملاهادی، مکاتب رواقی و نوافلاطونی و آموزه‌های دیگر فلاسفه یونانی همچون

۱. همان ص ۱۲۲
 ۲. سیدحسین نصر - متین - سال دوم شماره ۷ - تابستان ۷۹
 ۳. غلامحسین رضانژاد - حکیم سبزواری (زندگی و آثار فلسفه)، انتشارات سنائی، چاپ اول سال ۷۱ ص ۲۸۱

فلوطین و فروریوس بی دخل و تأثیر نبوده است.^۱ و در آثار سبزواری رد پای آراء و نظریات فلاسفه یونانی و همچنین نقل قولهای و ایده‌های حکمای پهلوی به چشم می‌خورد.

اما به هر حال بجهت ازادت قلبی و شیدایی سبزواری نسبت به ملاصدرا و حکمت متعالیه، خط سیر فکری صدرالمآلهین در آرای فلسفی ملاهادی پررنگ‌تر است، و در اکثر مبانی و مباحث بر مرام صدرالدین و بر طبق سبب صدرایی سلوک نموده است.

از عمده و نقاط تلاقی افکار سبزواری با آرای صدرایی و ابتکارات و ابداعات علمی ملاهادی می‌توان به نظرات وی در باب «وجود ذهنی» و همچنین خدشه و استدلال وی بر برهان «تضایف» (که ملاصدرا برای اثبات اتحاد عاقل و معقول مطرح کرده است) و مبحث ترکیب اتحادی ماده و صورت اشاره کرد.

گرایشات ذوقی و اشراقی - عرفانی سبزواری، شدیدتر از متفادیش صدرالمآلهین بود و به عقیده بسیاری مشی و مرام وی متأثر از اشراق و نظریات اشراقی است و عناصر حکمت اشراق در منظومه ملاهادی، بوضوح نمایان است و استفاده از تعابیر و الفاظ و اصطلاحات اشراقیون در اشعار منظومه خود گواه و شاهدی بر این مدعاست.

برخی از اهل نظر نیز نکته تمایز و افتراقی مکتب صدرایی و سبزواری را گرایش عمیق‌تر حاجی به مکتب اشراق و عرفان دانسته‌اند و در این راستا به مشی فکری ملاهادی در اکثر مباحث الهیات بالمعنی الإخصر مانند علم تعالی و حصول تکثر

عقلی و مثل افلاطونی و قاعده امکان اشرف بر ممشای فلاسفه اشراق استناد جست‌اند.^۲

همانگونه که سابقاً ذکر شد، اگر چه ملاهادی سبزواری صاحب سبک و سیره و یا نظریه معتدبه و بنیادی در عرصه مباحث فلسفی نیست، اما هرگز از جاده تحقیق و تحری آزاد عقلانی فاصله نگرفته و در ورطه تقلید و انقیاد علمی محض در نعلطیده است و به عبارتی ابداع و ابتکار او را باید در نحوه تحقیق، تدوین، نقد و تلخیص آراء ملاصدرا مشاهده کرد.

خدمت ارزشمند و روش مبدعانه و مبتکرانه وی در بیان دقیق مطالب سخت و دشوار فلسفی با آن بیان گرم و فصیح ذوقی و تربیت یک دوره فشرده فلسفه اسلامی که تا آن زمان بدین شکل و صورت و محتوی و عبارات وجود نداشته، همه و همه مؤیداتی بر دقت فلسفی ملاهادی است.

با اتفاق اهل نظر و خبرگان، مهمترین و بلکه مهمترین کتاب حکمی فلاسفه متأخر پس از اسفار ملاصدرا، منظومه حکمی ملاهای سبزواری است که شمول و احتوای آن بر یک دوره موجز از فلسفه و حکمت متعالیه (و منطق و طبیعیات) مزیتی در خور تأمل است. تلخیص مرتب و موجزی از متن مشوش و نامرتب اسفار، با نثر مسجع و موزون و نظمی بلیغ که با امثله و عبارات لطیف حاجی مزین شده است و بخاطر ویژگی‌های منحصر بفردش در اندک زمانی شهره تمام محافل علمی و فلسفی گشته و الی زمانتا هذا هنوز هم بیشتر محافل علمی بعنوان یک متن

۱. همان ص ۲۸۱

۲. حسن‌زاده آملی - شرح منظومه غررالفوائد، نشر نایب - چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۷

متقن و متین فلسفی محور تعالیم حکمت متعالیه به حساب می‌آید.

حاجی سبزواری جهت آمادگی نوآموزان حکمت و ورود به عرصه مسائل حکمی و فهمی مطالب غامض و پیچیده اسفار، با زبردستی و مهارت خاصی به سرایش و تالیف و تدوین منظومه دست یازیده که برخی به همین جهت منظومه او را کلید اسفار نامیده‌اند.^۱

ارزش و عظمت کار سبزواری آنگاه روشن می‌شود که به کتاب حجیم و متن مطوّل اسفار نیم‌نگاهی از سر تأمل افکنده شود و وقوفی نسبی به پیچیدگی‌ها و لغزندگیهای لفظی و معنایی عبارات اسفار پیدا شود.

برخی تلفیق منظومه از نظم و نثر را سبب افزایش دشواری آن دانسته و اشاره به بعضی نکات ادبی برای توضیح پیچیدگی اشعار را از نکات منفی کتاب برشمرده‌اند و وجود ملاکهای اصلی یک کتاب درسی کلاسیک را در آن منتفی دانسته‌اند.^۲

و حتی قائل شده‌اند که حاجی بجهت فرو رفتن در معانی دقیق و عمیق فلسفی از عنایت و التفات به ظاهر عبارات و الفاظ و رعایت نکات ادبی و قواعد دستوری باز مانده است و برخی نیز بر اغلاط ترکیبی و تخطی حاجی از قواعد ادبیاتی در اشعار و عبارات منظومه خرده گرفته‌اند، اما به هر جهت آنچه مهم است این است که در ارجوزه سرایی و سرودن اشعار تعلیمی حکمی و برخوردارگی از قریحه سرشار و طبع و قناده و پربار و استفاده از ظرافتها و لطافت‌های شاعرانه و عارفانه و مضامین باریک و مبدعانه در متون صعب فلسفی کسی به پایه

و مایه علمی حاجی سبزواری نمی‌رسد؛ چرا که ترکیبات سنگین و عبارت‌و کلمات بعید الذهن نستوانسته ظرافت و لطافت گفتار وزین وی را ناخواسته از بین ببرد و شعر و هنر وی را از مرتبه فصاحت و بلاغت و استحکام و اتقان لازم بزیور آورد. اصطلاحات و تعابیر حکمی و عرفانی آنچنان در ذهن و زبان سبزواری رسوخ پیدا کرده و تمرکز یافته که در ضبط اصطلاحات غامض و سنگین و مستبعد و دور از تداول و تضمین آنها در ادبیات منظوم و نثر مسجع منظومه شاعری است ساحر و ادیبی است بغایت ماهر.

تعلیمات و استعارات و اشارتهای زیبا در منظومه از نکات در خور تحسین است که بر حلاوت کلام او بیش از پیش افزوده است.

تفکرات فلسفی ملاحظه‌ای با دین و مفاهیم دینی درآمیخته است. وی شیوه محققانی همچون ملاصدرا و میرداماد و مدرّسان نام‌آور علوم معقول در تأیید ادله حکمی از عرفان آل محمد^ع اعم از مضامین آیات و کرایم قرآن و احادیث، بهره‌های فراوان برده است. و در اخذ و استعمال اصطلاحات و اقتباس تعابیر نیز نگاهی خاص به مآثورات شرعی و آیات الهی داشته است و خود به تضمینات و تلمیحات شعرش که متأثر و ملهم از منابع و متون دینی بوده اشاره‌ها کرده است.

میزان بهره‌گیری از مؤیدات شرعی و استعمال و استفاده از آیات و روایات و اقوال مفسرین در

۱. علی علمی اردبیلی - فرهنگ فلسفه، ج ۵ ص ۴۷

۲. همان ص ۴۷ و ۴۸

خلال مباحث فلسفی بتدریج در کتب او فزونی می‌یابد. و حتی گاه برای اثبات برخی اصول فلسفی و عرفانی همچون: اول ما صدرالعقل ... به دلایل نقلی و نص کلام حضرت علی^۷ تمسک می‌جوید.

تنظیم و تبویب مباحث در منظومه در قیاس با اسفار ملاصدرا منطقی^۸ بنظر می‌رسد. ^۹حاجتی به ابی‌حاشی همچون حدیث دهری میرداماد که در اسفار بدان اشاره نشده، در حدّ تفصیل نسبی پرداخته است.

غلبه قریحه ذوقی و شعر دوستی ملاهادی و اعتقاد او به تاثیر شگرف شعر در اذهان و تسهیل یادگیری برای نوآموزان، وی را بر آن^{۱۰} وا داشته تا در شرح و حاشیه^{۱۱} ارجوزه تعلیمی خویش به مناسبت مقام به اشعار نغز حکمی و عرفانی تمسک جوید که گاه بسیار جالب و جذاب و وقع فی النفوس است.

استفاده از امثله و تشبیهات مقربت الی الذهن در تفهیم مسائل صعب فلسفی از دیگر خصوصیات منظومه به شمار می‌رود که بوفور در آن بیانت می‌شود. حکیم سبزواری با آگاهی از رهنزی عبارات و اصطلاحات مشتبه و پیچیده، از درک حقائق فلسفی، در بخشهای مختلفی از منظومه به بیان و توضیح اصطلاحات و عبارات و تمیز و تمایز بین آنها پرداخته، و خواسته نا خلاء وجود یک فرهنگ

غنی فلسفی را برای توضیح تعابیر فلسفی پر کند او در این راستا به شرح کلمات و وجه تسمیه آنها به طور مختصر و موجز پرداخته است. ملاهادی در ضبط و تحلیل ادنه و براهین پیشینیان به کمال خبرویت و طهارت رسیده بود و حتی برخی اهمیت اساسی منظومه وی را در تسلط وی بر نظریات

فلسفی قدیم و احتوای آثار او بر اقوال گذشتگان دانسته‌اند.^۲ و اینکه او پس از طرح مبحث و بیان

اقوال و آرای متفاوت در صحنه پیکار علمی و چالش و نقد، قدرت رسیدن به غایت را داشته و در اصابت

نظریه هم موفق بوده و هیچگاه مباحثی را مبهم و مجمل رها نکرده و بسوی توقف میل ننموده است.

با وجود این منظومه ملاهادی سبزواری بلحاظ تاریخ تفکر فلسفی دچار ضعف و سستی غیرقابل

اعتماد و استناد تاریخی می‌باشد، و حتی بنظر شهید علامه مرتضی مطهری در گمراه ساختن افکار از

اندیشه‌های تاریخی سهم بسزایی دارد و در ارائه یک

نقطه سیر تاریخی نه تنها کمک درستی نمی‌کند که

احیاناً دشواریهایی را هم ایجاد می‌کند.^۳ اگر چه

نداشتن کتابخانه جامع و اعتماد حاجی به نقل قولها و سخنان دیگران و خصوصاً میل شدید او به تاویل

و توجیه کلمات بزرگان علت اصلی سستی مستندات تاریخی و نقل قولها و انتساب آنها با

اشخاص می‌باشد و شاید بتوان آن را بعنوان یک عذر مقبول محسوب کرد، اما بهر صورت این نقطه ضعف و تیرگی بر تارک منظومه سبزواری نمایان است و از

دید بعضی محققین و ^۴تبارحین ژرف‌نگر همچون شهید مطهری بدور نمانده است. ●

۱. شرح منظومه - مرتضی مطهری - مجموعه آثار - ج ۵، ص ۲۴ انتشارات صدرا
۲. به نظرات معتزله و اشاعره اشاره‌های بسیاری کرده و به بررسی نظرات آنها در بحث علم الهی، جبر و اختیار... پرداخته است.
۳. شرح منظومه - مرتضی مطهری - مجموعه آثار - ج ۵ ص ۲۴
۴. همان ج ۱ - ص ۶۳